

تنبيه بدنى کودکان در اسناد بين المللى

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

ميلاد جهانى جناقرد

دانشجوی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه تهران

چکیده

کودکان بسیاری از کشورهای مختلف در معرض انواع خشونت ها قرار دارند. یکی از مهمترین مصادیق این خشونت ها تنبيه بدنى کودکان به شمار می آید. خشونت های علیه کودکان در جامعه به اشکال مختلف از قبیل خشونت های روانی، جسمی، جنسی و بی توجهی های عمدی یا اقتصادی صورت می گیرد و در هر سطحی که باشد ناقض کرامت و حقوق انسانی کودکان به شمار می آید. این خشونت ها می توانند عوامل گوناگونی داشته باشند؛ در بسیاری از موارد والدین به دلیل درک نامناسبی که از روش تربیت صحیح دارند مرتکب تنبيه بدنى کودکان می شوند. گاهی به دلیل اعتیاد، مشکلات اقتصادی، بیماری های روحی و روانی این خشونت ها تشدید می شوند. در بسیاری از این موارد دولت ها با این تفسیر که اعمال فوق در حیطه زندگی خصوصی افراد می باشد اقدامات مناسبی را انجام نمی دهند. در چنین موارد نقض حقوق بشر و عدم اقدامات لازم از سوی دولتها در جهت حمایت از قربانیان، جامعه بین المللی موظف است، تا با تصویب اسناد حقوق بشری، دولتها را به رعایت حقوق بشر و حفظ ارزش های انسانی متعهد نماید. اگر چه سندی که منحصرأ به حمایت از کودکان در برابر خشونت و تنبيه بدنى پردازد هنوز وجود ندارد اما میتوان گفت در بسیاری از اسنادی که تاکنون به تصویب رسیده است، به این موضوع مهم تاکید شده است.

واژگان کلیدی: کودکان، تنبيه بدنى، اسناد بین المللی، حقوق بشر، حقوق اطفال

مقدمه

امروزه خشونت علیه کودکان در جامعه یکی از مهمترین و چالش انگیزترین مصادیق نقض حقوق بشری است. از مشکلات پیش روی مقابله با خشونت علیه کودکان ، عدم گزارش و پنهانی بودن آنهاست. زیرا به دلیل تفکیک بین حوزه های عمومی و خصوصی و عدم دسترسی شفاف و همه جانبه دستگاه های عمومی به حوزه خصوصی افراد و همچنین به دلیل وابستگی عاطفی کودک به والدین خود بسیاری از مسائل مربوط به کودکان در حوزه خانواده از چشم ها پنهان می ماند. علیرغم اینکه قربانیان این خشونت ها بسیار از آن رنج می برند عواملی باعث می گردد که از گزارش آن جلوگیری کنند. یکی از این عوامل ترس است. تعدادی از دولت ها قوانینی با موضوع خشونت علیه کودکان به تصویب رسانده اند اما در مجموع قوانین اغلب کشورها مشخصا نامی از تنبیه بدنی کودکان به میان نیامده است. اگر چه در برخی از اسناد بین المللی به حمایت از حقوق کودکان پرداخته شده است لکن به دلیل ویژگی خاص خشونت و تنبیه از جمله پنهانی بودن اغلب این خشونت ها و به اشتباه توجه کردن برخی از انواع آن، ضرورت حمایت های بین المللی را از این موضوع مهم دو چندان کرده است.

بخش اول: مفاهیم

الف) خشونت

خشونت از نظر لغوی غضب ، درشتی و تندی کردن تعریف شده است. برخی خشونت را عملی خلاف هنجارها و برخی دیگر خشونت را رفتار فردی و جمعی می شمارند. در هر حال خشونت را می توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می دهد و صرفا جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد بلکه ممکن است ابعاد روانی (مانند فحاشی ، تحقیر ، منزوی کردن ، داد و فریاد ، مزاحمت جسمی) و اقتصادی (مانند شکستن وسایل خانه) را در برگیرد.

ب) کودک

تعیین مفهوم کودک به عنوان فردی که باید مورد حمایت های ویژه قرار گیرد از اهمیت به سزایی برخوردار است. کودک در فرهنگ آکسفورد به معنای انسانی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده است و یا سن او پایین تر حداقل سن قانونی است.

پ (تنبیه

تنبیه مصدر باب تفعیل از ریشه ن - ب - ه است. این واژه در ابتدا به معنای بیدار کردن بکار رفته است و به مرور زمان پس از ورود به زبان فارسی افزون بر کاربرد در معنای بیدار کردن، معنای هوشیار کردن و آگاه کردن پس از غفلت نیز بکار رفته است. امروزه اصطلاح تنبیه بیش از هر چیز دیگری به حوزه علوم تربیتی و روان شناسی و به ویژه مبحث (تقویت کننده های منفی) اختصاص داشته و تعریفی خاص یافته است. روان شناسان، بکارگیری محرک ناراحت کننده برای کاستن از احتمال وقوع رفتارهای نامطلوب را تنبیه می نامند که عموماً در پی رفتاری نا شایسته صورت می پذیرد.

بخش دوم: موازین بین المللی ناظر با خشونت و تنبیه بدنی علیه کودکان

الف) خشونت و تنبیه علیه کودکان در اسناد بین المللی

۱- اسناد بین المللی عام حمایتی

پس از وقوع جنگ جهانی دوم حساسیت جامعه جهانی به نقض حقوق بشر و مسائل پیرامون آن بیشتر گردید. این حساسیت منجر به شکل گیری معاهدات بین المللی مختلف در زمینه حمایت از حقوق بشر شد. دسته ای از این اسناد، پوشش حمایتی نسبت به همه ی افراد جامعه را دارند و گروه های خاصی را مد نظر ندارد، که به این اسناد اصطلاحاً اسناد بین المللی عام حمایتی گفته می شود. که در ذیل به بررسی برخی از آنها می پردازیم:

• منشور ملل متحد:

منشور ملل متحد، سند اساسی در ایجاد سازمان ملل متحد، که در سال ۱۹۴۵ لازم الاجرا گردیده به طور مشخص یک سند حقوق بشری نمی باشد. اما هر یک از ارکان منشور مانند مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و... وظایفی در خصوص حقوق بشر را دارا می باشند. اگرچه این سند هیچ اشاره صریحی به مباحث پیرامون حقوق کودک ندارند، اما در برخی از مفاد آن به اصول حقوق بشر تاکید شده است و اعضا را برای پیشبرد این اصول ملزم به همکاری می نماید. بنابراین نقش موثر این سند بین المللی الزام آور را در حمایت از حقوق کودکان نمی توان نادیده گرفت. چرا که تاکید منشور بر احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی بدون تبعیض را می توان گام موثری در جهت حمایت از حقوق بشر از جمله حقوق کودکان دانست.

• اعلامیه جهانی حقوق بشر:

در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۴۸، کمیته سوم مجمع عمومی بررسی ماده به ماده پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر را به اتمام رساند، و سه روز پس از آن توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این سند در واقع اعلام فهرستی است از حقوق بشر که نسبت به تمامی انسان ها، از جمله کودکان، اعمال می شود. لازم به ذکر است که برخورداری از کمک و حمایت های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در واقع انعکاس اصول مورد تاکید در اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۲۴ می باشد. این اعلامیه در ماده یک که بصورت یک بیانیه برنامه ای که مبنای ایدئولوژیک این سند را نشان می دهد، شروع می شود:

((تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.)) علاوه بر آن اعلامیه در مواد ۳ و ۵ حق حیات، آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت شکنجه و رفتار های ظالمانه و خلاف کرامت انسانی را مورد تاکید قرار داده است. اصول ذکر شده در این دو ماده اگرچه به

طور عام نسبت به تمامی انسان است اما به دلیل آسیب پذیر بودن کودکان و جنبه حمایتی حقوق بشر به طور اولی کودکان را هم در بر می گیرد.

• میثاق بین المللی حقوقی مدنی و سیاسی:

میثاق بین المللی حقوقی مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کامل کننده یک دیگر هستند. این سند مانند میثاق بین المللی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک سند الزام آور جهانی محسوب می گردد. کودکان حق دارند از تمامی حقوق مندرج در این میثاق به علاوه مقررات خاص برای کودکان از جمله تدابیر مربوط به اجرای عدالت بهره مند شوند. میثاق ممنوعیت کلی تنبیه و شکنجه و یا رفتارهای تحقیر آمیز علیه هر فرد انسانی را در ماده ۷ به رسمیت می شناسد. بنابراین از این ماده می توان به ممنوعیت هر نوع رفتار تحقیر آمیز علیه کودکان نیز دست یافت.

کمیته حقوق بشر در نظر کلی اش درباره این ماده اظهار می دارد که هدف مفاد مندرج در ماده ۷، هم حمایت از شان و مقام فرد و هم حمایت از تمامیت جسمی و روحی وی می باشد. وظیفه دولت عضو است که از طریق اقدامات قانونی یا سایر اقدامات لازم به حمایت از هر شخص در برابر اعمالی که در ماده ۷ ممنوع شده است بپردازد. خواه مرتکب این اعمال ممنوعه مقام رسمی داشته باشد و خواه خارج از مقام رسمی خود بوده و یا در مقام خصوصی باشد. همچنین کمیته در نظر نهایی منتشره هر گونه خشونت ها علیه اعضای خانواده را ممنوع اعلام می کند. بنابراین می توان از این نظریه کمیته حقوق بشر به این نتیجه رسید که تمام اعضای خانواده به خصوص کودکان از هر گونه خشونت و تنبیه در امان بمانند.

۲- اسناد بین المللی خاص حمایتی

وضعیت و شرایط ویژه کودکان و ضرورت توجه بیشتر به حقوق آنها جامعه بین المللی را بر آن داشت که در قالب اسناد جداگانه ای به حمایت از کودکان بپردازند و توجه به مسائل و

حقوق کودکان به طور خاص مورد اهتمام سازمان ملل متحد قرار گرفت و در همین راستا کمیسیون توسعه اجتماعی از جمله کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اقدام به تهیه طرحی بنام پیش نویس اصول اعلامیه حقوق کودک نمود. که در ذیل به بررسی برخی از این اسناد پرداخته می شود.

• اعلامیه جهانی حقوق کودک:

اعلامیه جهانی حقوق کودک، یکی از اسناد بین المللی خاص در زمینه حمایت از کودکان می باشد. از این اعلامیه به بعد بود که نه تنها غیر منفعل بودن کودکان در اسناد آغاز شد بلکه کودکان به عنوان موضوع اصلی حقوق بین الملل و برخوردار شدن از حقوق خاص و آزادی به رسمیت شناخته شدند. این اعلامیه دربرگیرنده یک مقدمه و ده اصل می باشد. در مقدمه ذکر گردیده است که اعلامیه بر اساس منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر شکل گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق کودک اصل برخورداری کودک از حمایت های ویژه را به رسمیت می شناسد و این حمایت ها باید براساس بهترین شکل در مورد منافع کودکان اعمال گردد. در سال ۱۹۷۹، بیست سال پس از به تصویب رسیدن اعلامیه جهانی حقوق کودک، مجمع عمومی به این نتیجه رسید که اصول اعلامیه نقش مهمی را در ارتقاء حقوق کودک در سایر جهان، و همچنین شکل دهی به اشکال مختلف همکاری های بین المللی در این حوزه ایفا می نماید.

• کنوانسیون حقوق کودک:

بدون شک کنوانسیون حقوق کودک را باید مهم ترین اقدام جامعه بین المللی در حوزه حمایت از حقوق کودکان دانست. این کنوانسیون اولین توافق بین المللی در حوزه حمایت از حقوق کودکان است که مفاد آن لازم الاجرا می باشد. هدف اساسی این کنوانسیون، ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنها در زمینه های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و رشد اجتماعی است. اگرچه کنوانسیون حقوق کودک به

طور مشخص نامی از ممنوعیت تنبیه و خشونت بدنی علیه کودکان نیآورده است، اما می توان از مفاد متعدد و مضمون آن به این ممنوعیت دست یافت. یکی از مهم ترین اصولی که در رابطه با مقابله با خشونت و تنبیه بدنی علیه کودکان می توان از آن بهره جست، اصل رعایت منافع کودکان است، که در مقدمه و موادی از کنوانسیون نظیر مواد ۲۶، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۹ و ۴۰ به آن اشاره شده است. علاوه بر اصولی که ذکر شد، از مواد دیگر کنوانسیون نیز می توان در جهت ممنوعیت خشونت و تنبیه علیه کودکان بهره جست. به عنوان مثال اساسی ترین حق هر انسانی حق حیات است. این حق، همانگونه که مورد اشاره قرار گرفت، در اسناد دیگر حقوق بشر هم به رسمیت شناخته شده است. اما اهمیت این حق باعث شد که کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده ۶ خود این حق را برای تمام کودکان به رسمیت بشناسد و کشور های عضو را در تضمین بقاء و رشد کودکان در حد امکان ملزم نماید. این ماده از این جهت در حوزه خشونت و تنبیه علیه کودکان اهمیت دارد که بسیاری از تنبیه های بدنی علیه کودکان منجر به سلب حیات آنان می گردد، به ویژه خشونت هایی که در سنین پایین تر نسبت به کودکان اعمال می شود. در دیگر مواد قابل استناد راجع به جلوگیری از رفتارهای غیر انسانی نسبت به کودکان می توان به بند الف ماده ۳۷ این کنوانسیون اشاره کرد که مقرر داشته است ((هر گونه تحت شکنجه قرار دادن و سایر رفتار های بی رحمانه و غیر انسانی مخالف و مغایر شئون انسانی می باشد.)) کنوانسیون حقوق کودک تنها به ذکر ممنوعیت انواع خشونت ها علیه کودکان اکتفا نکرده است؛ بلکه کشور های عضو را ملزم کرده در صورت وقوع هر نوع آزار علیه کودکان اقدامات لازم جهت تسریع در بهبودی جسمانی و روانی قربانیان این خشونت ها مطابق شئون انسانی آنها به کار بگیرند.

ب) خشونت و تنبیه بدنی علیه کودکان در اسناد منطقه ای حقوق بشر:

همگام با رشد و توسعه حقوق بشر و شکل گیری اسناد جهانی حقوق بشر، جنبش حمایت از حقوق بشر در مناطق و قاره های جهان نیز در قالب نظام های منطقه ای شکل گرفت و توسعه پیدا کرد. به همراه شکل گیری چنین نظام های منطقه ای، اسناد حقوق بشری متعددی نیز در

قالب هر یک از این نظام ها تدوین و به تصویب رسید. با توجه به اینکه در بسیاری از اسناد مدون در سطح منطقه ای ساز و کارهایی جهت رعایت و اجرای حقوق و آزادی ها را پیش بینی کرده است به همین جهت اسناد منطقه ای حقوق بشر به عنوان مهمترین منابع حقوق بشری محسوب می گردد.

۱- اسناد حمایتی حقوق بشر در منطقه اروپا

اسناد منطقه ای حمایت از حقوق بشر با اسناد حمایتی در قاره اروپا یعنی تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ آغاز گردید و به روند روبه رشد خود ادامه داد. که به بررسی برخی از این اسناد پرداخته می شود.

• کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

این کنوانسیون در سال ۱۹۵۰ ایجاد شد و به امضای کشور های عضو شورای اروپا رسید و در سال ۱۹۵۳ لازم الاجرا گردید. این کنوانسیون اولین سند بین المللی برای حمایت از حقوق سیاسی و شهروندی ، از طریق یک معاهده الزام آور برای تمام کشورهای عضو بوده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز از حمایت انسان ها در برابر هر گونه خشونت از جمله تنبیه غافل نمانده است و در ماده ۳ خود هر گونه رفتار های غیر انسانی را ممنوع دانسته است. همانطور که واضح است کودکان نیز از این اصل مستثنی نمی باشند و هر نوع خشونت از جمله خشونت های بدنی علیه کودکان طبق ماده ۳ این کنوانسیون ممنوع گردیده است. مطالبی این کنوانسیون قربانیان نقض حقوق بشر می توانند برای احقاق حقوق نقض شده خویش به دادگاه اروپایی حقوق بشر اقامه دعوا نمایند. این حق شامل هر فردی از جمله کودکان نیز می شود. بنابراین مطابق این کنوانسیون کودکان حق اقامه دعوا در مواردی که خود را قربانی خشونت و تنبیه بدنی می بینند، بدون نیاز به حضور والدین برای احقاق حق خود اقدام به شکایت می کند. همچنین در مواردی که کودک از اقدام به این امر عاجز باشد ، دیوان اروپایی حقوق بشر ارائه درخواست به نمایندگی از دیگری را می پذیرد. به این معنا که دیوان پذیرفته است

خویشاوندان نزدیک، به ویژه در مواقعی که قربانی آسیب پذیر می باشد و یا در شرایط جسمانی ناگواری به سر می برد، از طرف وی اقامه دعوا کنند. با توجه به اهمیت دیوان اروپایی حقوق بشر و فعالیت مستمر آن در زمینه های مربوطه در این قسمت به بررسی یکی از پرونده های مربوط به تنبیه بدنی کودک پرداخته می شود.

• پرونده A علیه انگلستان

یکی از مهمترین پرونده های مربوط به تنبیه بدنی پرونده A علیه انگلستان می باشد. خواهان متولد ۱۹۸۴ و یک شهروند انگلیسی است. در فوریه ۱۹۹۳ معلم A به اداره خدمات اجتماعی گزارش می دهد مبنی بر اینکه برادر A این حقیقت را که A توسط ناپدری خود با چوب کتک می خورد افشا کرد. ناپدری در ۵ فوریه ۱۹۹۳ دستگیر و سه روز بعد به قید وثیقه آزاد شد. پس از معاینات پزشکی قانونی معلوم شد که آثار کبودی ناشی از نیروی قابل توجه و بیش از یکبار بوده است. ناپدری در فوریه ۱۹۹۴ به اتهام اعمال آسیب بدنی جدی محاکمه شد. در مورد تعداد دفعات ضرب و شدم صورت گرفته اختلافی وجود نداشت، اما در مورد اینکه این عمل به دلیل عدم تبعیت قربانی از والدین بوده است بحث وجود داشت. در جمع بندی قاضی به هیات منصفه اینگونه توصیه می نماید: (...دادستان چه چیزهایی را باید ثابت نماید؟ اگر فردی عمدا و غیر منصفانه، دیگری را بزند و این باعث برخی از آسیب های بدنی، کبودی و تورم شود او به دلیل وارد کردن آسیب های بدنی به یاد گناهکار است. چه چیزی در این پرونده غیر منصفانه است؟ این یک دفاع کاملا خوب است که ادعا شود حمله به قصد آزار بدنی یک کودک توسط پدر یا مادر خود و در این پرونده توسط پدرخوانده اش صرفا به منظور اصلاح و تربیت است، و با جمع آوری ادله از اینکه در وسیله مورد استفاده و مقدار تنبیه حد اعتدال رعایت شده است یا به هر طریق دیگر سعی در قابل قبول دانستن تنبیه باشد. اما این بر عهده متهم نیست که ثابت نماید روش بکار گرفته شده تنبیهی قابل قبول بوده، بلکه این بر عهده هیئت پیگیری است که ثابت نماید که این کار غیر قانونی بوده است. این پرونده در مورد این نیست که آیا می توان کودک نافرمان را تنبیه کرد یا خیر بلکه در مورد این است که

آیا چیزی که در اینجا اتفاق افتاده است معقول بوده یا خیر. و این بر عهده شماس است که قضاوت کنید....). هیأت منصفه با اکثریت آراء به این نتیجه رسید که اتهام ناپدری خواهان، مبنی بر حمله به قصد آسیب رسانی مردود است. عدم حمایت دادگاه داخلی انگلستان از قربانی این خشونت منجر به طرح ادعای خواهان در تاریخ ۱۵ جولای ۱۹۹۴ در دیوان اروپایی حقوق بشر می شود. دیوان اروپایی حقوق بشر به این نتیجه رسید که تنبیه بدنی با چوب که ناپدری پسر بچه ۹ ساله علیه او انجام می داد نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشری می باشد. به همین دلیل دیوان کشور انگلستان را به پرداخت ۱۰۰۰۰ پوند غرامت به پسر بچه محکوم کرد. همچنین دیوان مقرر کرد که کودکان و دیگر افراد آسیب پذیر و ضعیف در برابر نقض جدی منزلت فردی باید تحت حمایت های دولتی قرار بگیرد که این امر فقط با قوانین بازدارنده صورت میگیرد. با بررسی این پرونده می توان به اهمیت حقوق کودکان در برابر خشونت و تنبیه بدنی پی برد.

• منشور اجتماعی اروپا

شورای اروپا به منظور تکمیل حقوق اقتصادی و اجتماعی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور اجتماعی اروپایی را به تصویب رساند. منشور که طیف گسترده ای از حقوق از جمله حق مسکن، بهداشت، آموزش، اشتغال و... را تضمین می کند در سال ۱۹۶۱ تصویب و در سال ۱۹۶۵ لازم الاجرا و ۱۹۹۶ تجدید نظر شد و توسط تمام ۴۷ کشور عضو شورای اروپا امضاء و توسط ۳۹ کشور به تصویب رسید. منشور از اسناد اروپایی حقوق بشر است که از حقوق کودکان غافل نمانده است و برخی از حقوق آنها را تضمین می کند. در بند ۷ قسمت اول این منشور حق کودکان را در برخورداری از حمایت های ویژه در برابر آسیب های فیزیکی و روانی محترم شمرده است. همچنین در ماده ۱۷ کشور ها را ملزم کرده است که در قوانین داخلی خود اشکال مختلف خشونت علیه کودکان را منع نمایند و برای آنها مجازات در نظر بگیرند، چرا که این اعمال مغایر با تمامیت جسمانی، کرامت انسانی، پیشرفت و سلامت روانی کودکان است.

۲- اسناد حمایتی حقوق بشر در منطقه آسیا

در منطقه آسیا اگر چه نقض های متعدد حقوق بشری بخصوص در حوزه حقوق کودکان دیده می شود ، اما اسناد و سازوکارهای حمایتی کمتری در مقایسه با دیگر مناطق جهان وجود دارد، که به بررسی تعدادی از آنها می پردازیم.

• منشور حقوق بشری آسیایی

کشورهای آسیایی در ششمین اجلاس پارلمان های آسیایی برای صلح ، که ارسال ۲۰۰ع در تایلند برگزار شد ، پذیرش منشور حقوق بشر آسیایی را در دستور کار خود قرار دادند و آن را تصویب نمودند. این سند دارای ۱۶ بند و یک پیوست است. از جمله اصول کلی این سند که مربوط به حمایت از کودکان در برابر خشونت می باشد می توان به بند ۳ و ۴ در مورد حق حیات و برخورداری از صلح و آرامش اشاره کرد. در قسمت اول بند ۴ عنوان شده است که همه افراد حق دارند بدون اینکه هدف هرگونه خشونت قرار بگیرند ، در صلح و آرامش زندگی نمایند تا بتوانند به طور کامل از تمامی ظرفیت ها و توانایی های جسمی ، فکری ، اخلاقی و معنوی خود بهره بگیرند. بنابراین این سند تمام اشکال خشونت را ممنوع دانسته است. بدیهی است یکی از این اشکال مربوط به تنبیه بدنی کودکان می باشد. علاوه بر حقوق کلی ذکر شده در این سند، بند ۱۰ به طور خاص در ارتباط با حقوق کودکان می باشد. قسمت اول این بند آزار جنسی و تنبیه بدنی و آسیب های روانی در خانواده را یکی از اشکال رایج خشونت علیه کودکان می داند.

• اعلامیه حقوق بشر آسیا

یکی از اقدامات منطقه ای در جهت حمایت از حقوق بشر که در سال ۲۰۱۲ توسط کشورهای عضو جامعه ملل آسیای جنوب شرقی صورت گرفت اعلامیه حقوق بشر آسیا می باشد. این سند مانند دیگر اسناد حمایتی حقوق بشر یکسری اصول حمایتی را در خود جای داده است.

سند فوق تاکید می کند تمام افراد آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند، بنابراین باید با هر انسانی مطابق شان انسانی اش رفتار گردد. کودکان نیز از این اصل مستثنی نمی باشند و هر گونه خشونت با آنان در تعارض با کرامت انسانی آنها می باشد. در بند ۴ کودکان را به عنوان یکی از مصادیق افراد آسیب پذیر بر شمرده و حقوق و آزادی های اساسی آنها را به رسمیت می شناسد. این سند در قسمت دوم خود به بیان حقوق مدنی و سیاسی می پردازد و بند ۱۴ بیان می دارد هیچ فردی نباید در معرض شکنجه و رفتار های بی رحمانه ی غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار بگیرد. بدیهی است که تمام این مواردی که گفته شد در مورد کودکان نیز جاری می باشد.

نتیجه گیری

بر اساس مطالبی که تا به حال عنوان شد می توان نتیجه گرفت که اگرچه در جامعه بین المللی سند خاصی که منحصرأ به خشونت و تنبیه بدنی علیه کودکان پردازد وجود ندارد ، اما می توان با بهره گیری از اسناد مختلف جهانی و منطقه ای ممنوعیت این خشونت ها از دید جامعه بین المللی و حمایت قربانیان این خشونت ها دریافت. خشونت و تنبیه بدنی علیه کودکان یکی از مهمترین انواع خشونت های وارده علیه کودکان محسوب می شود که باعث نقض قواعد و مقررات حقوق بشر شده است. یکی از اساسی ترین راه های مبارزه با این معضل بین المللی استفاده از معاهدات بین المللی و منطقه ای حقوق بشر و تلاش به منظور تنظیم و تصویب چنین معاهداتی به منظور وادار نمودن دولت ها جهت حساسیت نشان دادن به این امر مهم است. در حالت کلی می توان به این نتیجه رسید که جامعه بین المللی و کشورهای مختلف تا حدودی به این امر مهم توجه داشته اند؛ و البته باید به این نکته مهم توجه داشت که از تصویب و الحاق اسناد حقوق بشری تا عملی شدن آنها در زندگی واقعی راه بسیار زیادی وجود دارد.

منابع و مآخذ

- ۱-ایروانیان، امیر؛ سید زاده ثانی، مهدی؛ متولی زاده، نفیسه؛ جوانمرد، بهروز؛ محسن، مالجو. کودک آزاری، از علت شناسی تا پاسخ دهی. تهران: خرسندی ۱۳۸۹
- ۲-حسینی خواه، سید جواد. تنبیه بدنی کودکان در نظام بین الملل حقوق بشر و فقه امامیه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۸۹
- ۳-صندوق کودک در سازمان ملل متحد یونیسف (ایران). تربیت بدون خشونت: کودک آزاری از نظر فقه شیعه، (مجموعه نظرات مراجع تقلید در خصوص کودک آزاری)، تهران: یونیسف ۱۳۸۶
- ۴-مصفا، نسرین. کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۵-اسماعیلی، فائزه. تعریف کودک. نشریه حقوق دادرسی، شماره ۵۰، سال نهم، خرداد و تیر ۱۳۸۴
- ۶-توحیدی، احمد رضا. تحلیل کنوانسیون حقوق کودک در پرتو جهان شمول حقوق بشر، سال هشتم، شماره ۳۱، پائیز ۱۳۸۲
- ۷-سازمان بهداشت جهانی ژنو، گزارش جهانی خشونت و سلامت (مترجمان مالک افتخاری و دیگران) مرکز تحقیقات زنان فردا، تهران، تندیس، ۱۳۸۶، ص ۸

